



یادداشت میهمان

شجره ملعونه

«شجره ملعونه» کلدیوזה‌ای از پیام حبر رهبر انقلاب‌هاست که ایشان در دیدار خانواده‌های شهدای منا نیز تکرار و بر آن تأکید کردند. سَ‌هْ به کاربردن این واژه و تأکید و اصرار آن چیست؟ اولاً این یک کلدیوזה قرآنی است که خداوند وسیله‌ای برای امتحان مردم و شناخت فتنه طغیان‌گران قرار داده و بر مردم هشدار داده که طغیان فتنه منافقین و متحریفین از اسلام نیز نتیجه‌سوسه‌های شیطان است. «وَمَا جَعَلْنَا الْإِنسَانَ إِلَّا نَبَاتًا إِلَّا فَتَنَّا الْلُحَّاسَ وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَ نَعُوْذُ بِكَ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا» (آیه ۱۶ سوره اسرا). مرحوم علامه طباطبایی مفسر بزرگ قرآن کریم معتقد بودند منظور از شجره به معنای خاندان و دودمان است که در زبان عرب بسیار استفاده می‌شود. ثانیاً کلدیوזה «شجره خبیثه» هم در قرآن کریم به کار رفته از جمله در ۲۶ سوره ابراهیم‌ولی قرش با کلدیوזה «شجره ملعونه» در این است که اصطلاح اول یک اصطلاح عمومی است و بر هر فتنه و نفاق صدق می‌کند اما «شجره ملعونه» یک اصطلاح اختصاصی برای فتنه و نفاق خاص می‌باشد که توسط یک خاندان خاص رخ داده است. لذا فتنه و نفاق خاص به معنای خاندان ملعونه است.
بر اساس نظر مفسران قرآن و روایان احادیث منظور از این نفاق خاص، فتنه علیه ولایت امیرالمومنین و علی (ع) تحت پوشش و ظاهر اسلام و منظور از این خاندان منافق و فتنه گر خاص همان آل بنی امیه می‌باشد. ثالثاً آنچه که از متن قرآن کریم و روایات و احادیث بر داشت می‌شود این است که برخی از کسانی که از «شجره خبیثه» باشند، ممکن است یا به راه خبیات و نفاق نروند و یا موفق شوند است از خبیات و ظلم و نفاق برانزد و بتوانند مشمول رحمت خداوند واقع شوند، یعنی با بازگشت برای آیت باز است. اما کسانی که متعلق به «شجره ملعونه» باشند از ازل در راه خبیات و خبیات به خلق خدا گام می‌زنند و به خاطر ذات و طبیعت ششان تا ابد هیچ‌گاه موفق به برگشت به راه سعادت نمی‌شوند و به همین دلیل مورد لعن ابدی خداوند واقع شده‌اند، همچون آل ابی سفیان از جمله ملعون بن ابی سفیان و یزید بن معاویه و ... و حتی معاویه پیمان ملعونه را نوشتند و در کعبه پنهان نمودند. رابعاً فخر رازی در تفسیر خود از «ابن عباس» مفسثر معروف اسلامی روایت می‌کند که عایشه به مروان گفت: «لَعَنَ اللَّهُ أَبَاكَ وَ أُمَّتَیْ وَ شَلِیْطَةَ فَاتَتْ بَعْضَ نَفْسٍ لَعْنَةُ اللَّهِ - خدا پدر تو را لعنت کرد و من لعنت کردی که تو در صلب او بودی، بنابراین تو بخشی از کسی هستی که خدا لعنتش کرده است»، مرحوم طبرسی هم در احتجاج روایت می‌کند در مجلس معاویه، امام حسن(ع) در جواب ابی‌بنی مروان بن حکم مروان فرمود: «خداوند تو و پدر و خاندان و فرزندان و هر کسی را که از صلب پدرت تا روز قیامت خارج شود، مورد لعن قرار داد... و تو و فرزندان‌ت ای مروان! همان شجره ملعونه در قرآن هست... از رحمن بن عوف نیز نقل شده وقتی مروان بن حکم به دنیا آمد، پیامبر فرمود: «هو الوزع ابن الوزع ملعون ابن الملعون - او وزع و وزع را ملعون و ملعون را ملعون زاد است.» علاوه بر این «شجره خبیثه» نیز به‌عنوان نمیه کار این در برمی‌گردد که به دلیل شمولیت «شجره ملعونه» بر آنها، دیگر در رحمت الهی بر رویشان بسته است. خاسماً در ابتدای آیه ۱۶ سوره اسرا که در روی پیامبر(ص) اشاره شده، حضرت رسول در آن خواب دیدند میمون‌هایی از منیر ایشان بالا و پایین می‌روند. مفسران حسنه و بسیاری از مفسران سنی مانند قمری در تفسیر الجامع و غیره رازی در تفسیر کبیر این خواب را دلالت بر روی کار آامن خاندان بنی‌امیه، بعد از رحلت پیامبر(ص) دانستند. خاندانی که با اعمال خود موجب فتنه در جهان اسلام شدند و تاریخ اسلام را از مسیر اصلی خود منحرف کردند. سادساً در آخر آیه آیه خداوند هشدار می‌دهد که نتیجه نفاق این شجره ملعونه طغیان بزرگ است و «طغیان کبیره» هم تنها لیلبار و در همین آیه به کار رفته است. سیاماً در قرآن، امور متعددی لغفت شده است، مثل ابلیس، شیطان، مشرکان، علمایی که حق را کتمان کردند و آثار متناقضانه که همه‌را مسلمانان در ظاهر اسلام، پیوسته عامل فتنه‌اند، ثامناً در آیات ۲۰۵ تا ۲۰۷ شـعرا، درباره آینده «شجره ملعونه» بشارت داده شده: «مَنْ جَاهِلُهُمْ مَا كَانُوا يوعَدُونَ - سپس عذابی که به آنان وعده داده شده، سرانجامش می‌آید». حال:

۱- اکنون آیت‌ها در منطقه در با وقوع است. از یمن و بحرین و سوریه و فتنه تکفیریه‌ها گرفته تا دشمنی با ملت ایران در حقیقت طغیان فتنه و نفاق آل سعود با توطئه استکبار جهانی به سرکردگی شیطان بزرگ آمریکاست. پیشنهاد جدید برگزین قرارداد فروش ۱۱۵ میلیارد دلاری تسلیحات نظامی آمریکا به آل سعود در تاریخ روابط ۲۰ ساله کشور ملعونه با شیطان بزرگ برای کشتار مردم منطقه یانگار این طغیان کبیر است.

۲- به کار بردن کلدیوזה «شجره ملعونه» توسط رهبر معظم انقلاب بیانگر این است که آل سعود برآمده از همان «شجره ملعونه آل بنی امیه» و فتنه آنجا نیز ادامه همان نفاق و انحراف از مسیر اسلام است که راه برگشتی برای آنها وجود ندارد تا به عذاب الهی گرفتار شوند.

۳- هم پیامی با آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه امامت اسلامی، پشتیبانی تمام کمال و ملی و لیسنجستی و زوربوسی و رس‌های از برای سرکشی‌های تکفیری در سوریه و عراق. کشتار مردم بی‌گناه یمن، اشغال بحرین و بی‌قنایتی در برگزاری مراسم حج که سال گذشته موجب شهادت هزاران حاجی از سراسر جهان اسلام در منا و اسسال موجب صحن سبیل الهی، الحاح المسجد الحرام و ممانعت و حضور زائران ابرخی کشورها از جمله ایران شد. شکی نیست که اگر در آن سعود ملعونه زامنه است ۴- پیام و سسختان رهبر معظم انقلاب با تأکید بر کلدیوזה «شجره ملعونه» بیانگر همان سیاست قرآنی در آشکار کردن جبهه باطل و نفاق است که ماهیت آل سعود را برای امت اسلامی افشا کردند و موجب شکست شدن سکوت بهت آمیز جهان اسلام در قبال جنایات این دروغ‌ها شدند. همان‌گونه که این «شجره ملعونه» طغیان و فتنه خود را به زشت‌ترین شکل با حمایت شیطان بزرگ عریان و هیمنایی خود را با سرمداران قوم پیود و در زیم جبهه بیستنی آشکار کرده و بی‌حاج به بیان مبارزه با اسلام و مسلمانان وارد شده است.

۵- از کلام خداوند در به کار بردن «شجره ملعونه» و استناد رهبر معظم انقلاب به آن چنین بر می‌آید که مرگ بر آمریکا بر مرگ بر آل سعود ریشه قرآنی دارد - کسانی که خود را عامل یا دنیا خواستار به فراوشی این شعار قرآنی هستند، حقیقتاً هم برای درک درستی از کلمات و معانی قرآن ندارند، و هم بدنبال اعلام درک مفاهیم قرآن از سوسی مردم هستند.لذا این جریان را نیز که تحت عنوان مسلمانانی و حتی در لباس پیامبر متناقضانه در میان امت اسلامی فتنه می‌کنند، باید جز همان «شجره ملعونه» دانست.

۶- بر معظم انقلاب برای اولین بار نیست که از کلدیوזה «شجره ملعونه» استفاده می‌کنند. ایشان در اوایل انقلاب اسلامی و در سمت نمایندگی مردم در مجلس شورای اسلامی در ۲۵ فروردین ۴۰ نیز در نظقی مهم، پیش از دستور جلسه مجلس شورای اسلامی، «شجره ملعونه» را به‌عنوان موضوعی عمیق خویش به ارائه تحلیلی دقیق از توطئه‌های «شجره ملعونه» علیه انقلاب اسلامی پرداختند. ایشان در این نظق مهم تأکید کردند: «طوفان انقلاب بارها شاخ و برگ‌های از شجره ملعونه توطئه را قطع کرد، اما از آنجایی که این شجره ملعونه ریشه در گنداب استکبار جهانی دارد، قطعاً رشد است». ایشان در آن نظق مهم یکی از ابعاد توطئه‌های شجره ملعونه را ایجاد و تشدید تنش‌های مذهبی - قومیتی به بهانه‌های سیاسی دانستند و تأکید کردند: «سعی می‌کنند اختلافات دیرین از دامن بزنند. در حالی که ما هم بی‌بنیادیم مابنی آن اختلافات را می‌دانیم و هیچ نیاز به جد و جحت و دشمن دشمن را برای رسید می‌کنیم. کسانی که امروز متعصب به بهانه‌های مذهبی می‌شوند، عملاً به اصل اسلام و قرآن اهتمام لازم را ندارند و ... همه بنیادهای وحدت را بر هم می‌زنند». رهبر معظم انقلاب بعد دیگر توطئه «شجره ملعونه» را حمایت و سازماندهی گروه‌های متعلق لگوی و جاسوسان، و بی‌غرض و دموعاً تا قلم به ده‌ها و فرصت‌طلبان نظامی و دولتی و جاسوسان، و سنت دینداری که هر حرف تشنیده‌ای را همیشه بدعت می‌دانستند تا بدعت گذاری‌ه که بر چیز را به عنوان سنت می‌کشندند و از دشمنانی بی‌پرو و دیروز دوسنان مصلحتی امروزه برشوندند که منتظرند تا دستنی از غرب بیرون آید و کاری بکنند. بسیاری از این جریان‌ها جوی‌های از چشمه بریده و به لحن نستسته هستند. چیزی نیستند اما یاری به وجود آوردن یک مجموعه دروغین که بتواند زمینه توطئه باشد، همیشه آماده‌اند». حضرت آیت الله خنم‌ای نایب‌الدوم توطئه «شجره ملعونه» را فلج کردن اقتصاد و انقلاب ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی دانستند تا مستضعفین جهان را از انقلاب اسلامی روی گردان کنند. ایشان در پایان آن تحلیل کجبنامه و درشتگراانه تصریح کردند: «از نظر توطئه‌گران جهانی این سعه بعد در کنار هم بر آورنده مقصود آنهاست. در این صورت چیزی برای دخالت خارج نمی‌تواند بود... به نمایندگان و مسئولان دولتی و مدیران شورای عرض می‌کنم امام امت ما به همه ما توصیه کردند خودتان، خودتان را تصفیف نکنید، امام تأکید کردند... و مسئولان در محصوده مسئولیتی که قانون اساسی برایشان معین کرده، اقدام نکنند و لاغیر». لذا درک و فهم عهک پیام و سخنان تاریخی رهبر معظم انقلاب درباره آل سعود یک وظیفه مهم است که موضع‌گیری‌های اسلامی باید اول لعن و وراثت و دوم سفیندنی و مقاومت و ایستادگی در مقابل فتنه و طغیان کبیر این رژیم باشد. همان‌گونه که عاشورا کانون اصلی این لعن و برات و سفیندنی و ایستادگی بود.

دکتر محمد حسین محترم

در کتب معتبره و معتبره

مدعی مبارزه با پولشویی شده‌اند!

نگاهی به رسانه‌های دولتی که این روزها بر شمار و پر تعداد، به‌دنبال توجیه و تزیین معاهده FATF هستند و نگاهی به اظهارات مقامات و مسئولان دولتی به هر شکل ممکن می‌کشوند این عهدنامه شوم را، زیبا جلوه دهد، گویای طغیز تلخی است که باطن دولتی و غیرصادقانه آنها را به نمایش می‌گذارد! با این معنی که در حالی اکنون تمام قذ از FATF حمایت می‌کنند و حاضرند همه چیز مملکت را به بی‌گناگان نشاند اما کسی که سوزنی حاضر به اجرای همین وضعیت در داخل کشور نیستند! مرور رفتار همین افراد در یک موضوع ساده داخلی، این سخن را اثبات می‌کند.

دانستن حق مردم نیست!

مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوبه‌ای داشت که براساس آن، افزایش اطلاعات مربوط به دارایی و ثروت مسئولان ممنوع شده است. این مصوبه در زمان دولت یازدهم به تصویب رسید. زمانی که چند وزیر هزار میلیارد تومانی و چند معاون کاسب و فعال در پروژه‌های مختلف در دولت حضور دارند و بنا بر اظهارات مقامات قضایی، برخی از آنها بر خلاف قانون اساسی، تاکنون دارایی خود را اعلام نکرده‌اند! چرا؟! طبیعی است، چون دانستن حق مردم نیست!

ذخیره‌ها نامشروع!
همین جریان که دانستن هیچ چیز از حق مردم نمی‌داند و حتی نمایندگان آنها را پنهانی و زیرکانه از جواب این سؤال‌ها محروم می‌کند، در دولت حضور دارند و بنا بر اظهارات مقامات قضایی، برخی از آنها بر خلاف قانون اساسی، تاکنون دارایی خود را در فیش‌های نجومی نامحرم FATF نامحرم می‌دانند و این ابعاد مهم را چراغ خاموش امضا و اجرا کرده اند.حالا برای شفافیت و مبارزه با پولشویی گرینپل چاک می‌کنند! این‌ها چنان برای مبارزه با پولشویی سینه سپر کرده‌اند و بر آن دور می‌زنند تا بتواند با دشمنان قرارداد ببندد، در موضوع فیش‌های نجومی و خراخراوی مدیران دولتی هم مردم را ناآرام‌تر و بدتر دراخت به مسئله حقوق آنها را، درگوشی سیاسی با دولت قلمداد کرده‌اند! این‌ها تنها از اینکه مردم بداندن فلان دولتی چقدر از جیبشان پی‌م‌دارد برآشفتند و از آن را ورود به حرم خصوصی(اگر افراد می‌دانستند، بلکه از اینکه اسم و رسم آنها منتشر می‌شده‌شدت گزافه کردند و کشیدند با بکار بردن واژه «حقوق غیرمتعارف» در برابر «حقوق نجومی» و «مخارج‌های» موسوع را ساده‌سازی کنند و در نهایت، آنها را ذخیره نظام نامیدند!

اما این وسط یک چیز بازم ناگفته

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره

در کتب معتبره و معتبره